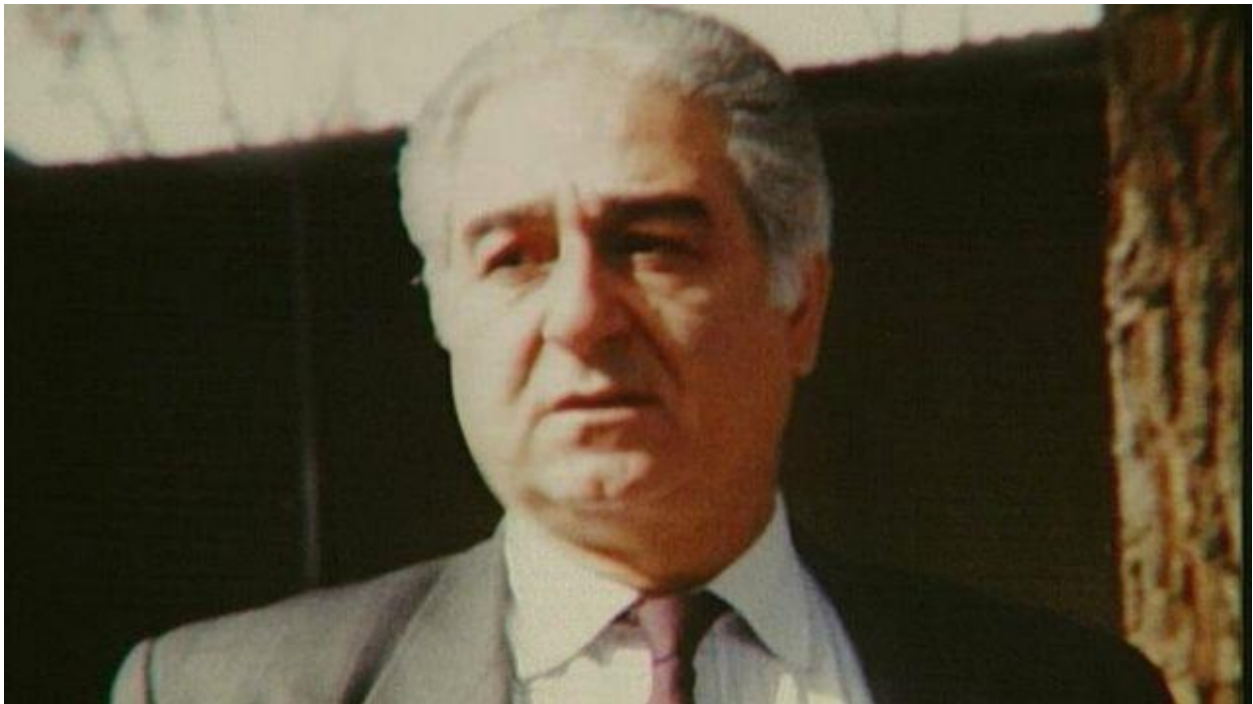


عملکردهای رقابتی ابر قدرتهای در افغانستان

افغانستان در طی قرون متمادی بنا بر موقعیت حساس جوپولیتیک خویش مورد تهاجم ابر قدرتهای بزرگ جهان و همسایگان خود قرار گرفته است، فهرست مهاجمین متجاوز علیه افغانستان طویل است، که تذکر تمام جنایات متجاوزین علیه افغانستان در این یادداشت مختصر نمی گنجد، میخوام فقط تنها در مورد تعداد از حوادث بخصوص در (۵۰) پنجاه سال اخیر را با برخی نقاط عمده را یاد کنم. مهاجم و اشغالگر هر ابر قدرت و کشور بوده است، تخطیها و جنایات را در قبال مردم افغانستان انجام داده اند، خوب و بد ندارد. شورویها-روسیه و یا امریکا-ناتو حق خودارادیت مردم افغانستان را سلب نمودند، رعایت حقوق بشر در در نظر نگرفتند. سازمان ملل متحد از آوان تأسیس خود بحیث عامل همکاری سازماندهی توافقات دولتین، نماینده گان آن در امور افغانستان بشمول آقای بنون سوان نیز نتوانستند، در مورد متخلفین توافقات دولتین در برابر افغانستان کوچکترین وظایف خود را ایفای کنند. بنون سوان در آنزمان حقایق و توطیه های دشمنان علیه را افغانستان پنهان نمود، که باعث سقوط حکومت و نهایتاً منجر به قتل داکتر نجیب الله گردیده است.



بنون سوان:

بنون سوان از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ نماینده سازمان ملل در امور افغانستان و پاکستان بود. او در آن سالها مسئولیت مذاکرات صلح میان حکومت دکتر نجیب‌الله، رئیس‌جمهور چپ‌گرا و گروه‌های مجاهدین را به عهده داشت می‌گوید که.

با خروج نیروهای خارجی دولت افغانستان با مشکلات دوره نجیب‌الله روبرو خواهد شد؟

آیا تاریخ افغانستان در حال تکرار شدن است؟

متأسفانه بیایید واضحتر صحبت کنیم:

" رئیس‌جمهور نجیب‌الله از سوی شوروی سابق و روس‌ها تنها گذاشته شد. پس از امضای موافقتنامه ژنیو کمک‌های‌شان را به دولت نجیب‌الله متوقف کردند. در واقع آنان حتی به توافقات شان مبنی بر همکاری‌های بشری با حکومت هم احترام نکردند."

آقای سوان می‌گوید: "داکتر نجیب‌الله در آن روزها آماده قربانی برای صلح افغانستان بود. چون همه می‌گفتند تا زمانی که نجیب باشد، صلح نمی‌آید. او گفت من این فرصت را برای‌شان می‌دهم که بدون حضور من صلح کنند تا از من به عنوان بهانه استفاده نکنند. "آقای سوان تأکید کرد که:

"او حاضر بود به صلح خاطر بمیرد، ولی بدبختانه افراد خودش به او خیانت کردند."



اسناد کودتاچیان خائن که علیه حکومت داکتر نجیب‌الله در کودتا ۱۹۹۲ م نقش داشتند.



با کودتا سال ۱۹۹۲ میلادی مصادف با سال ۱۳۷۱ شمسی پلان صلح و مصالحه ملی در کشور ناکام گردید، شیرازه حرارشی دولت در افغانستان از هم پاشید، اردو لغو و قوت‌های مسلح خلع سلاح شدند، تمام وسایط جنگی را پاکستانیها غارت کردند.

حالا هم چنین تصور صلح توسط دشمنان برای افغانستان ابلهانه خواهد بود، که مردم مظلوم و بی‌دفاع افغانستان از دولت چند سره کنونی افغانستان که توسط خارجیها بر مردم کشور ما بزور تحمیل شده است، با اشتراک جوامع بین‌المللی و دولتهای چون روسیه (ضمیر کابلوف نماینده خاص ولادیمیر پوتین)، پاکستان، ایران، عربستان سعودی، ترکیه، چین، امریکا و اروپای غربی و سایرین توقع برده شود، که مهاجمین برای صلح در افغانستان کمک میکنند. ابر قدرتها و مهاجمین هیچگاهی در پی منافع افغانستان نبودند و نیستند، بلکه آنان همیشه اهداف و منافع خویش را دنبال می‌کنند. طالبان و حکومت چند سره در افغانستان در راه منافع ملی و صلح در افغانستان جدی متعهد نیستند، هریک آنها برای قدرت خویش مطابق پلانهای بیگانه گان و دشمنان افغانستان می‌جنگند. محمد محقق مشاور اشرف غنی رئیس‌جمهور چند دسته در افغانستان اخیراً در مصاحبه خویش صریحاً و بی‌پرده با تلویزیون آریانا در کابل گفت که :

« ما طرفداران خود را برای جنگ با طالبان در چهار ولایت برای مسلح نموده ایم.»

روزنامه بریتانیایی سان در گزارشی نوشته است که آمریکا قرار است قبل از خروج کامل از افغانستان، صدها نیروی ویژه آمریکایی را در کابل مستقر کند تا مانع از سقوط پایتخت افغانستان به دست طالبان شود. به نوشته این روزنامه، یک واحد نظام ترکیه تامین امنیت میدان هوایی کابل را به عهده خواهد گرفت. درباره استقرار نیروهای ترکیه در کابل این منبع به سان گفته است: "نیروهای ترکیه مسلمان هستند، بنابراین طالبان نمی‌توانند ادعا کنند که کافران در خاک افغانستان هستند".

اساساً جنگ طالبان و پاکستان و سایر دشمنان مردم مسلمان افغانستان به اهداف دین مقدس اسلام ارتباط ندارد، جنگ طالبان و پاکستان جنگ برای نابودی افغانستان است. جنگ طالبان و پاکستان «جهاد» اسلامی نیست بلکه روپوش ویرانی و جنایات در

افغانستان است. شرم آور است که دشمنان مردم با دیانت افغانستان آگاهانه بشکل کاذب جنگ نیابتی و جنایات سرسام آور خود را در افغانستان توسط وحشی ترین اجیران خویش نقاب مذهبی و قومی پوشانده اند.

انگلیسها با چنین تبلیغات جعلی خویش میخواهند مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان را دوباره اعمال وحشیانه خویش مانند سال ۱۹۹۲ میلادی غافگیری نمایند. هیچ تفاوت در بین دستهای ادمکش حرفوی ملیشه دوستم، که در سال ۱۹۹۲ میلادی در پلان کودتا و ناکامی سیاست مصالحه ملی شرکت داشتند، ادمکشان حرفوی، مستقیماً توسط ترکها، پاکستان، روسها و سائز کشور غریبی و اعراب میلادی حمایت می شدند، با قوای نظامی بقایای فاشیزم اتاترک ترکیه در میدان هوایی کابل وجود ندارد.

در اوضاع و احوال کنونی طرفین داخلی و خارجی جنگ در افغانستان هرگاه صلح واقعی می خواهند، باید صلاحیت تصمیمگیری و تعیین سرنوشت صلح و احیای اقتدار ملی در افغانستان را با اهل صالح و شخصیتهای بیطرف ملی ثالث الباخیر در کشور بسپارند، تا صلح و ثبات در افغانستان بصورت واقعی تأمین گردد.

وظیفه سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن بحیث ارگان هماهنگ کننده بین المللی اخذ تضمین عدم مداخله کشورهای درگیر جنگ در افغانستان است.